

نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در نهضت ملی شدن صنعت نفت

مهدی ابوطالبی*

چکیده

این مقاله، با توجه به اهمیت نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران و پررنگ شدن نقش ملی‌گراها در این نهضت در عمده آثار منتشر شده در حوزه تاریخ معاصر، درصدد تبیین نقش عناصر و گروه‌های مذهبی در این نهضت عظیم ضد استعماری است. بر این اساس، با مراجعه به منابع مکتوب، به بررسی نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در این نهضت پرداخته شده است. بررسی منابع مذکور نشان می‌دهد که عنصر ولایت با دو جلوه «ولایت فقها در عصر غیبت» و «تولی و تبری» و نمادهای مذهبی مثل مناسبت‌ها و مراسم‌های مذهبی، جهاد و شهادت‌طلبی، اماکن مذهبی، استناد به آیات و روایات در بیانیه‌ها و تجمعات و شعارهای مذهبی نقش بسیار مؤثری در این نهضت داشته است.

کلیدواژه‌ها: نهضت ملی شدن نفت، آیت‌الله کاشانی، فقهای شیعه، مذهب شیعه، ولایت، نمادهای مذهبی.

مقدمه

در دهه اول حکومت پهلوی دوم، به دلیل سقوط رضاخان و باز شدن فضای فکری و سیاسی کشور و نفرت عمومی از بیگانگان که ناشی از سوابق تلخ نقش بیگانگان و استعمارگران در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران به ویژه فضای پس از اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم بود، حرکت‌های سیاسی - اجتماعی استعمارستیزانه در کشور شکل گرفت. یکی از مسائلی که در این دوره در میان نخبگان جامعه ایران مورد توجه قرار گرفت بحث اعطای امتیاز نفت به بیگانگان بود. بر همین اساس، حرکت‌هایی در میان مردم و نخبگان برای مقابله با این امتیاز استعماری شکل گرفت که منجر به نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران شد. این نهضت، یکی از تحولات مهم تاریخ معاصر ایران در سده اخیر و در دوران حاکمیت پهلوی‌ها به حساب می‌آید. به همین دلیل، آثار زیادی در این‌باره در قالب‌های تاریخ‌نگاری، تکنگاری و تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی به رشته تحریر درآمده است. در اکثر منابع موجود در این زمینه، این نهضت، چه در بعد اهداف، چه در بعد رهبری و چه در فرایند آغاز و انجام نهضت، با رنگ و لعاب ملی‌گرایانه مطرح شده است. این در حالی است که در این نهضت نیز همانند سایر جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران مردم و علمای شیعه نقش مؤثر و پررنگی داشتند؛ اما به طور خاص نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در این نهضت کمتر مورد توجه قرار گرفته و از این‌رو، رنگ دینی و مذهبی آن کم‌رنگ شده است. بر همین اساس، ضرورت دارد که در یک تحقیق جدی نقش این عناصر به طور خاص مورد واکاوی قرار گیرد.

سؤال‌های فرعی عبارتند از:
- نقش عنصر ولایت به عنوان عنصر محوری تشیع در این نهضت چقدر بود؟
- نقش عناصری مثل جهاد و شهادت‌طلبی در این نهضت چقدر بود؟
- نقش مناسبت‌ها، مراسم‌ها و اماکن مذهبی چه میزان بود؟
- استناد به آیات و روایات در بیانیه‌ها، شعارها و سایر آثار مکتوب به چه میزان بوده است؟

۱. عنصر ولایت

نقش فقها به عنوان نواب عام

عنصر ولایت با دو نمود و جلوه در نهضت‌های معاصر ایران تجلی پیدا کرده است. نمود اولی و اصلی آن، ولایت و سرپرستی امام زمان (عج) و به دنبال آن، ولایت نایبان عام آن حضرت یعنی فقها و مجتهدان جامع‌الشرایط است که نقش بسیار جدی را در این تحولات سیاسی - اجتماعی ایفا کرده‌اند. در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز شاهد حضور جدی و مؤثر علما و فقهای شیعه در جایگاه رهبری و هدایت نهضت هستیم که در این بخش به این بحث خواهیم پرداخت.

نقش آیت‌الله کاشانی در مقدمات نهضت نفت

در میان فقها و علمای شیعه شاهد فعالیت گسترده آیت‌الله کاشانی هستیم که با استفاده از نفوذ همیشگی علما و فقهای شیعه در میان مردم، همچون نهضت‌های قبلی (تحریم تنباکو، مشروطیت و...) در تاریخ ایران، نقش رهبری و هدایت مردم و کشاندن آنها به صحنه‌های مبارزه و اعتراض را به خوبی ایفا کرد. آیت‌الله کاشانی به قدری در جریان مبارزات مقدماتی نهضت ملی شدن نفت محوریت داشت که وقتی قرار بود شاه در سال ۱۳۲۷ش

نقش‌های در میان مردم و نخبگان برای مقابله با این امتیاز استعماری شکل گرفت که منجر به نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران شد. این نهضت، یکی از تحولات مهم تاریخ معاصر ایران در سده اخیر و در دوران حاکمیت پهلوی‌ها به حساب می‌آید. به همین دلیل، آثار زیادی در این‌باره در قالب‌های تاریخ‌نگاری، تکنگاری و تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی به رشته تحریر درآمده است. در اکثر منابع موجود در این زمینه، این نهضت، چه در بعد اهداف، چه در بعد رهبری و چه در فرایند آغاز و انجام نهضت، با رنگ و لعاب ملی‌گرایانه مطرح شده است. این در حالی است که در این نهضت نیز همانند سایر جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران مردم و علمای شیعه نقش مؤثر و پررنگی داشتند؛ اما به طور خاص نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در این نهضت کمتر مورد توجه قرار گرفته و از این‌رو، رنگ دینی و مذهبی آن کم‌رنگ شده است. بر همین اساس، ضرورت دارد که در یک تحقیق جدی نقش این عناصر به طور خاص مورد واکاوی قرار گیرد.

سؤال اصلی این تحقیق این است که عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در نهضت ملی شدن نفت چه نقشی داشتند؟

می‌کند.^(۲) آیت‌الله کاشانی نیز با دعوت مردم به تظاهرات خیابانی و میتینگ‌های پیاپی، نمایندگان مجلس شانزدهم را در مقابله با قرارداد الحاقی مذکور به شکل بی‌سابقه‌ای مورد حمایت قرار داد و به پشتوانه و دلگرمی ایشان و سایر علما و فقها و مردمی که ایشان برای مبارزه با استعمار بسیج کرده بودند، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در مجلس مطرح شد.

همچنین هنگام انتخاب رزم‌آرا به عنوان نخست‌وزیر، مجدداً شاهد صدور اعلامیه‌ای از آیت‌الله کاشانی در این مورد هستیم که بنا بر گزارش روزنامه «امید ایران»، هنگام حضور رزم‌آرا در میدان بهارستان برای رفتن به مجلس و معرفی وزرا، این اعلامیه در میان جمعیت زیاد حاضر در میدان بهارستان پخش شد و حتی تعدادی از آن را داخل ماشین خود رزم‌آرا هم انداخته بودند.^(۳) اهمیت این اعلامیه به قدری است که باز هم همانند برخی اعلامیه‌های قبلی در صحن علنی مجلس توسط مصدق خوانده می‌شود. در این اعلامیه، آیت‌الله کاشانی «عموم مردم را برای مقاومت در مقابل این بلا عظیم که جامعه اسلامیت و ایرانیت را به فنای عاجل رهسپار خواهد کرد» دعوت می‌نماید.^(۴) پس از این اقدام، نمایندگان جبهه ملی برای مبارزه با دولت رزم‌آرا و به راه آوردن نمایندگان اکثریت به حمایت روحانیت بیش از پیش نیاز داشتند و رهبر مذهبی مردم، آیت‌الله کاشانی برای برآوردن این نیاز از سوی سردمداران، اکثریت مجلس را با تماس‌های تلفنی و غیره «امر به معروف و نهی از منکر» می‌کرد و از سوی دیگر، در مواقع مناسب با صدور اعلامیه‌هایی مردم مسلمان را به پیشتیبانی از جبهه ملی فرامی‌خواند و مردم که با فتاوی مراجع تقلید دیگر - که در سطور بعدی به طور تفصیلی به آنها اشاره خواهیم کرد - مبارزه برای ملی شدن نفت را تکلیف دینی خود می‌دانستند، با برگزاری میتینگ‌های باشکوه از نمایندگان مجلس

هژیر را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند به هژیر گفته بود اگر رضایت کاشانی جلب شود مسئله نخست‌وزیری او حل است؛ چراکه آیت‌الله کاشانی با همه دولت‌ها پس از شهریور ۱۳۲۰ مخالفت کرده و ریشه آنها را با رسوایی و افشاگری و تشکیل اجتماعات و سخنرانی‌ها و تبعید و زندان خود قطع کرده بود و این بار نوبت هژیر رسیده بود. مبارزه علیه هژیر را توده‌های مردم کوچه و بازار به رهبری کاشانی با شعارهای اسلامی به دست گرفتند. در خرداد ۱۳۲۷ش آیت‌الله کاشانی تظاهراتی را علیه نخست‌وزیری هژیر سامان‌دهی کرد که در این تظاهرات عده‌ای از مردم متدین کشته و زخمی شدند. سقوط هژیر هم با سرعت انجام گرفت و بیش از صد روز نتوانست مقاومت کند.^(۱)

نقش جدی و مؤثر آیت‌الله کاشانی را می‌توان از تبعید ایشان به لبنان توسط حکومت به بهانه ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ش در دانشگاه، به دست آورد. در همان ایام تبعید نامه‌های خصوصی و اعلامیه‌های مختلف آیت‌الله کاشانی پیاپی و به مناسبت‌های گوناگون از لبنان می‌رسید و در محافل روحانی و بازاری تهران و قم و دیگر شهرها دست به دست می‌گشت و این همه، ملت ایران و به ویژه مردم تهران را برای نبردی آشتی‌ناپذیر به منظور پیروزی در انتخابات مجلس و جلوگیری از لایحه الحاقی گس - گلشاییان و استیفای کامل حقوق ملت ایران آماده می‌ساخت. از جمله شواهد محوریت آیت‌الله کاشانی و نقش سایر فقها این نکته است که مصدق در مجلس شانزدهم، که مهم‌ترین برنامه کاری آن تعیین تکلیف لایحه الحاقی گس - گلشاییان بود، در نطق پیش از دستور خود در مجلس، پیام آیت‌الله کاشانی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رؤسای روحانیت را خطاب به نمایندگان مجلس می‌خواند و دیدگاه‌های خود و نمایندگان رامستند به دیدگاه‌های ایشان و برخی دیگر از روحانیان آن زمان

حمایت آیت‌الله کاشانی از دولت مصدق

پس از نخست‌وزیری مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰ش، دولت وی با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کرد و برای تداوم نهضت ملی شدن نفت با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های مختلف انگلیسی‌ها در داخل و خارج از کشور روبه‌رو بود. در این دوران نیز آیت‌الله کاشانی با حمایت‌های بی‌دریغ و مداوم خود از این دولت به شکل‌های مختلف راه تداوم نهضت را هموار کرد. توجه به اعلامیه‌هایی که برای برگزاری تظاهرات و میتینگ‌ها به منظور پشتیبانی از دولت مصدق انتشار یافته است نشان می‌دهد که همه تظاهرات و سخنرانی‌ها و میتینگ‌ها با دعوت پیشوای روحانی مردم، آیت‌الله کاشانی صورت می‌گرفته است. در اکثر میتینگ‌ها و تظاهرات‌ها اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ایشان محور اصلی برنامه‌ها بود.^(۹)

وقتی دشمنان نهضت از طریق اختلافات مذهبی و ایجاد دو دستگی به دنبال برهم زدن وحدت ملی ایرانیان هستند، ایشان با صدور اطلاعیه‌ای خطر اختلاف و چنددستگی را هشدار می‌دهد و همه را دعوت به وحدت می‌کند.^(۱۰) هنگامی که انگلیس به حمایت از شرکت نفت خود چتربازان را به حال آماده‌باش درآورد و اعلام کرد که چهار هزار چترباز ظرف ده روز به مدیترانه شرقی فرستاده می‌شوند و سپس رزم ناو «موریتویس»^(۱۱) و دو کشتی به نام «ورن»^(۱۲) و «فلامینگو»^(۱۳) را به آب‌های مجاور ایران فرستاد و عراق به عنوان مرکزی برای تمرکز قوا در حمله به ایران معرفی شد، آیت‌الله کاشانی اقدامات مهمی را برای خنثا کردن این حرکت انگلیسی‌ها انجام داد. اولاً، ایشان پیامی خطاب به ملت عراق فرستاد که این پیام در روزنامه‌های بغداد منتشر شد. در این پیام، ایشان خطر انگلیس و استعمار را به مردم عراق هشدار داد و به ظلم‌ستیزی مردم عراق و سوابق مبارزاتی آنها علیه استعمار انگلیس اشاره کرد و خواهان همراهی ملت عراق

می‌خواستند با جبهه ملی هم‌صدا شوند و پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تصویب کنند.^(۵) کمیسیون نفت بعد از قتل رزم‌آرا با حمایت آیت‌الله کاشانی و پس از مصاحبه تاریخی آیت‌الله کاشانی، که راهی غیر از ملی شدن نفت باقی نگذاشته بود، به اتفاق آراء پیشنهاد ملی شدن نفت را در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ش تصویب کرد. مجلس شورای ملی نیز در ۲۴ اسفند و مجلس سنا نیز در ۲۹ اسفند همان سال آن را تصویب کردند.^(۶)

پس از قتل رزم‌آرا و حمایت آیت‌الله کاشانی از این حرکت، در این مقطع اقلیت مجلس شانزدهم و شخص آیت‌الله کاشانی در رأس قدرت قرار داشتند. محیط رعب و وحشتی برای هیأت حاکمه پیش آمده بود؛ چراکه مردم بامیتینگ‌ها و اجتماعات به حرکت آمدند و هیچ‌یک از عمال هیأت حاکمه جرئت نداشتند بدون موافقت آیت‌الله کاشانی قبول نخست‌وزیری نمایند.^(۷) در همین ایام، جمال امامی سردمدار اکثریت مجلس با سوءنیت و به گمان آنکه مصدق پیشنهادش را نخواهد پذیرفت و به این وسیله زبان جبهه ملی کوتاه خواهد شد، از مصدق خواست که ریاست دولت را بر عهده بگیرد. از طرفی هم آیت‌الله کاشانی باخبر بود که انگلستان، به دنبال بر سر کار آوردن سید ضیاء به عنوان نخست‌وزیر است و پیشنهاد جمال امامی صرفاً برای گرفتن پاسخ منفی از دکتر مصدق است. بر همین اساس، با شیوه‌ای صریح و قاطع که خاص خودش بود، سید ضیاء را با تلفن از پذیرفتن آن مأموریت‌ننگین برحذر داشت و آن‌گاه با دکتر مصدق تلفنی به گفت‌وگو پرداخت و وی را که در این گفت‌وگو از تردید در پذیرش این پست سخن گفته بود، برای نخست‌وزیری متقاعد ساخت و در اعلامیه‌ای که صادر کرد صراحتاً دخالت خود را در انتخاب وزرای دولت تکذیب کرد و دست دکتر مصدق را برای تشکیل هیأت وزرا کاملاً باز گذاشت.^(۸)

میان کارکنان و کارگران شرکت نفت بودند، آیت‌الله کاشانی با استفاده از نفوذ معنوی و روحانی خود، در اعلامیه‌ای خطاب به کارگران و کارمندان، آنها را به حفظ اتحاد و حمایت و پشتیبانی از دولت دکتر مصدق و همکاری با هیأت خلع ید دعوت نمود.^(۱۸) در زمانی که مذاکرات دکتر مصدق با هیأت‌هایی که برای حل مسئله نفت به ایران می‌آمدند، به بدخواهان فرصت می‌داد تا با متهم ساختن دولت به سازشکاری در صف واحد مردم مسلمان تفرقه بیندازند، آیت‌الله کاشانی مردم را از نقشه بیگانگان آگاه و به حفظ یگانگی تشویق می‌کرد. برای نمونه، در همین روزها ایشان در یکی از پیام‌هایشان که در مجلس خوانده شد، در حمایت از اقدامات دولت نوشت: «ملیون ایران و جبهه ملی و دکتر مصدق از آمل ملت ایران به خوبی مطلع هستند و قدمی از آنچه ملت می‌خواهد فراتر نگذاشته و نخواهند گذاشت، چنان‌که در تمام اقداماتی که به عمل آمده صریحاً به شرکت سابق گفته و نوشته‌اند که هیچ‌گونه سازش یا مذاکره جز در حدود قوانین ملی شدن صنعت نفت و اجرای آن صورت‌پذیر نیست... رجاء واثق دارم که ملت مسلمان ما تا وصول به هدف، فتوری به خود راه نخواهند داد و مخصوصاً از هرگونه تفرقه و اختلاف خودداری خواهند کرد...»^(۱۹)

همچنین هنگامی که ایادی بیگانه، کارگران خوزستان را به منظور تضعیف دولت، با فریب‌کاری به اعتصاب واداشتند، آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ای خطاب به اعتصاب‌کنندگان، آنها را از توطئه دشمنان آگاه نموده و خودداری از هرگونه اعتصاب و زمینه‌های اغتشاش را لازم و واجب شمرد. پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دولت با شرکت نفت سابق و رد پیشنهادهای خدعه‌آمیز آنها، به مردود شمردن شرکت نفت سابق توسط دولت اشاره کرده و از مردم برای حضور در میدان بهارستان در

با ملت ایران و ممانعت از حضور انگلیسی‌ها در مناطق آبی و خاکی دو کشور شد.^(۱۴)

ثانیاً، در مصاحبه‌ای که با خبرنگاران خارجی داشت، تصریح کرد: اگر انگلیسی‌ها ایران را مورد حمله قرار دهند، اعلام جهاد خواهم کرد و از هر کمکی که هر دولتی به ما بدهد به شرطی که آن کمک به ضرر ما نباشد استقبال می‌کنیم. هندوستان، پاکستان و افغانستان و دیگر دول اسلامی در این راه از کمک به ما مضایقه نخواهند کرد.^(۱۵) روزنامه «لوموند» فرانسه، در واکنش به این اقدام آیت‌الله کاشانی و در رابطه با نفوذ عمومی ایشان به عنوان یک رهبر مذهبی در میان مسلمانان جهان نوشت:

آیت‌الله کاشانی پیشوای سیاسی و مذهبی ایران، دنیای غرب را به جنگ مقدس بر سر نفت تهدید می‌کند و قدرت او در راه انداختن چنین جهاد مقدس به قدری زیاد است که حتی ممکن است میلیون‌ها مسلمان شوروی را هم از پشت پرده آهین به میدان جهاد و جدال بکشاند. رادیو باکو نیز در این رابطه و با اشاره به قدرت این‌گونه اقدامات گفت: تنها یک دستور و حکم جهاد از طرف آیت‌الله کاشانی برای جنبش سی میلیون مسلمان شوروی کافی است و دیگر هیچ چیز قادر به جلوگیری از آنها نخواهد بود.^(۱۶)

این روزنامه همچنین بر اساس گزارش موجود در آرشیو وزارت خارجه انگلیس درباره نفوذ آیت‌الله کاشانی می‌نویسد: آیت‌الله کاشانی در افکار و احساسات میلیون‌ها شیعیان ایران و پاکستان و حتی روسیه شوروی نفوذ و قدرت فوق‌العاده دارد... نفوذ کاشانی باعث شد که دکتر مصدق از راه مبارزه با انگلیسی‌ها منصرف نشود و دولت ایران شناسایی خود را از اسرائیل پس بگیرد.^(۱۷) در هنگام خلع ید از شرکت انگلیسی نفت که عمال انگلیس به دنبال ایجاد تشنج و اختلاف و کارشکنی در

شدند. در پی این اتفاقات، یک بار شاه و یک بار هم قوام السلطنه نمایندگان خود را خدمت آیت‌الله کاشانی فرستادند و با وعده و وعیدهایی، از جمله اعطای اختیار تعیین وزیر در شش وزارتخانه به آیت‌الله کاشانی، خواهان سکوت ایشان شدند. اما ایشان هر دو بار تقاضای آنها را رد کرد و با نامه‌ای خطاب به حسین علاء وزیر دربار و فرستاده شاه، لبه تیز تهدید را متوجه شخص شاه و دربار کرد و نوشت: «همان‌طور که حضوری عرض کردم، به عرض اعلیحضرت برسانید اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام نفرمایند دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد.»^(۲۲) با همین اقدامات، مجدداً مصدق، آن هم با اختیارات بیشتر از گذشته، پست نخست‌وزیری را در مرداد ۱۳۳۱ در اختیار گرفت. هرچند دکتر مصدق نه تنها از این اقدام مردم و آیت‌الله کاشانی قدرشناسی نکرد، بلکه به نوعی به این خدمت آنها پشت پا نیز زد؛ چراکه مصدق پس از بازگشت به نخست‌وزیری، همان سرلشکر وثوقی را که عامل کشتار مبارزان و مدافعان وی بود، به سمت معاونت وزارت جنگ برگزید و پس از اعتراض خصوصی آیت‌الله کاشانی به انتخاب این‌گونه افراد که باید محاکمه و مجازات می‌شدند، در روز ۶ مرداد ۱۳۳۱ اش، یعنی یک هفته بعد از حمایت شجاعانه و کامل آیت‌الله کاشانی از وی، با لحنی تند و سرشار از خشم از آیت‌الله کاشانی خواست که از هرگونه دخالت در امور کشور پرهیز کند.^(۲۳) البته آیت‌الله کاشانی برای حفظ وحدت و پیشبرد نهضت ملی شدن نفت و پایمال نشدن حقوق ملت و از بین رفتن زحمات چندساله مردم در نهضت فوق، باز هم به رغم اختلافات فراوانی که با مصدق داشت، همواره از دولت وی حمایت نمود و مانع سوءاستفاده بیگانگان از اختلافات موجود شد.^(۲۴) با توجه به نقش پررنگ و مؤثر آیت‌الله کاشانی در

راستای حمایت و پشتیبانی از این اقدام دولت دعوت به عمل آورد، چنان‌که هنگام تعطیل کنسول‌گری‌های انگلیس نیز مردم را به شرکت در میتینگی که از سوی دسته‌جات ملی به منظور تأیید کار دولت در میدان فوزیه تشکیل می‌گردید، دعوت نمود. همچنین هنگامی که عده‌ای از مردم در درگیری بین مردم و مأموران انتظامی در روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ کشته شدند، آیت‌الله با صدور اطلاعیه‌ای که در برابر انبوهی از جمعیت در مسجد شاه قرائت گردید، به عدم ارتباط این حرکت با دولت دکتر مصدق و بی‌اطلاعی وی از این اقدام تصریح کرد و مجدداً مانع تضعیف دولت دکتر مصدق شد. هنگامی که دولت مصدق برای مقابله با مشکل اقتصادی ناشی از کاهش درآمد نفت و به تعبیری، اجرای «تز اقتصاد منهای نفت» اقدام به انتشار اوراق قرضه ملی کرد، آیت‌الله کاشانی با صدور اعلامیه‌ای با استناد به آیات متعددی از قرآن کریم، مردم را تشویق به خرید این اوراق قرضه نمود.^(۲۵) ایشان همچنین ضمن اعلان «جهاد مالی»، از ایرانیان خواست به منظور ابراز همبستگی خود بر ضد امپریالیسم حساب‌های خود را از بانک شاهنشاهی در تهران (که یک بانک انگلیسی بود) به بانک‌های ایرانی انتقال دهند.^(۲۶)

هنگامی که مصدق از نخست‌وزیری استعفا داد و با نخست‌وزیری قوام، تانک‌ها و نیروهای نظامی در بخش‌های حساس شهر به ویژه میدان بهارستان مستقر شدند تا مانع هر نوع حرکتی از سوی مردم گردند، باز هم این آیت‌الله کاشانی بود که با فراخواندن مردم به مبارزه و تهدید به جهاد و حضور کفن‌پوش خود در خیابان‌ها خواستار برکناری قوام السلطنه شد. با دعوت ایشان، قیام همگانی مردم در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ اش در حمایت از رفتن قوام السلطنه و بازگشت دکتر مصدق شکل گرفت و در این قیام، تعداد زیادی از مردم به خاک و خون کشیده

کوشش‌ها کرده بود، در برابر خانه آیت‌الله با ضربات متعدد چاقو، بی‌رحمانه به قتل رساندند و مأموران انتظامی تعلیم‌یافته را واداشتند تا به جای جلوگیری از مهاجمان حرفه‌ای، جمعی از یاران و فرزندان آیت‌الله کاشانی از جمله محمدحسن سالمی را به زندان بیندازند. آنان کار را به جایی رساندند که در نظر گروهی از عوام‌الناس خوش‌باور و ناآگاه، آیت‌الله کاشانی به شخصی انگلیسی، نامسلمان و شهوت‌پرست تبدیل شده بود که ناگهان پرده از رازش بر افتاده و معلوم‌گشته بود که حتی ختنه هم نشده است! (۲۵)

کار به جایی رسید که چهارصد و هشتاد نفر از علما و طلاب حوزه علمیه قم با ارسال نامه‌ای خطاب به دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی را مایه «افتخار و مباهات کلیه مسلمین جهان خاصه ملت ایران» دانستند و اقدامات انجام‌شده مذکور توسط مطبوعات و... را اعمالی هدایت‌شده از طرف بیگانگان و در راستای «تخریب اساس روحانیت و ملیت» ارزیابی کردند و آن را موجب «جریحه‌دار شدن قلوب عامه مسلمین خاصه روحانیون» دانستند و حمایت دولت از این اقدامات را تقبیح نموده و از مجلس شورای ملی و دولت خواستند از این‌گونه اقدامات ممانعت به عمل آورند. (۲۶)

همچنین تعدادی از علما و آیات عظام حوزه نجف، از جمله آیت‌الله العظمی سیدعبداله‌هادی شیرازی، با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله میرسیدمحمد طباطبایی، ضمن تقدیر از زحمات و شخصیت آیت‌الله کاشانی، خواهان مقابله با توهینات انجام‌شده به ایشان شدند. (۲۷)

در آخرین روزهای دولت مصدق نیز آیت‌الله کاشانی حمایت خود را از وی دریغ نکرد، بلکه دست وحدت و دوستی و همکاری به طرف وی دراز کرد. آیت‌الله کاشانی که همانند بسیاری از مردم، مقدمات کودتا را - که متأسفانه به دست برخی از اطرافیان و کارگزاران دولت مصدق فراهم شده بود و مهم‌ترین اقدام آنها از میان بردن

نهضت ملی شدن نفت و همراهی و حمایت بیش از پیش ایشان از دولت مصدق برای پیشبرد اهداف نهضت، استعمارگران خارجی و کارگزاران داخلی آنها که به این مسئله آگاهی کامل داشتند و به خوبی می‌دانستند تا زمانی که شیرازه مذهب، اوراق کتاب همبستگی مردم مسلمان ایران را به هم پیوند می‌دهد و استوار می‌دارد، نهضت ملی ایران شکست خوردنی نیست، از اختلاف‌نظرهای بین مصدق و آیت‌الله کاشانی سوءاستفاده کرده و به این وسیله تلاش کردند با تخریب چهره آیت‌الله کاشانی به عنوان محور اصلی نهضت، آتش اختلافات را شعله‌ور ساخته و با القای شدت تعارض و اختلاف، اقدامات لازم برای شکست نهضت را دنبال کنند. در همین زمینه، از یک‌سو، روزنامه‌های وابسته به حزب توده بی‌پرده‌ترین ناسزاها و رکیک‌ترین دشنام‌ها و زشت‌ترین تهمت‌ها را نثار آیت‌الله کاشانی کردند و از سوی دیگر، شاپور یختیارها و دیگر دست‌پروردگان «متجدد» و «مترقی» که تعدادشان هم کم نبود و هنوز هم روحانیت و مذهب را نشانه «عقب‌ماندگی» و «نادانی» و اندیشه روحانیان مبارز و فداکار را «قرون وسطایی» می‌پنداشتند - ظاهراً به پیشبینی از دکتر مصدق و در باطن برای درهم ریختن اساس همبستگی مردم - در روزنامه‌ها و نشریات وابسته به دولت و دستگاه تبلیغات و رادیو در هتاکی و ایراد تهمت نسبت به آیت‌الله کاشانی با نشریات حزب توده مسابقه گذاشتند. این دشمنان روحانیت و دین، کار را تا بدان‌جا کشاندند که گروهی از اوباش و چاقوکشان حرفه‌ای را با شعار حمایت از مصدق و به اسم طرفداری از وی، شبانگاه به خانه آیت‌الله کاشانی فرستادند تا آنجا را سنگ‌باران کنند. آنان در آن شب با اقدامات وحشیانه خود و مضروب و مجروح کردن تعدادی از حاضران، بازرگان متدین و مبارزی از یاران وفادار آیت‌الله کاشانی به نام «حدادزاده» را که در راه ملی شدن نفت به سهم خود

عملاً دولت و مجلس را به عنوان دو رکن مهم قدرت سیاسی در ایران که با خون دل‌های فراوان و جان‌فشانی‌های ملت ایران از چنگ دیکتاتوری وابسته و استعماری رها شده و به دست نیروهای مردمی افتاده بود، دو دستی تقدیم عامل استبداد و استعمار نمود. نتیجه این کودتا بازگشت شاه خائن و فراری به ایران و تشدید استبداد و خودکامگی از طریق تقویت ارتش و تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور و سلطه مجدد بیگانگان بر صنعت نفت کشور از طریق کنسرسیوم نفتی شد و این یعنی: بازگشت و سلطه مجدد استبداد و استعمار بر کشور.

اقدامات آیت‌الله کاشانی پس از کودتا

اعتبار و نفوذ آیت‌الله کاشانی در جامعه ایران به گونه‌ای بود که حتی پس از کودتا نیز زاهدی به عنوان نخست‌وزیر وقت کشور به محل اقامت آیت‌الله کاشانی رفت و پس از ادای احترام و بوسیدن دست ایشان، از خدمات خود به جبهه ملی در انتخابات دوره شانزدهم و همکاری‌اش با دولت مصدق به عنوان وزیرکشور یاد کرد و افزود: اکنون به اینجا آمده‌ام تا در حضور حضرت آیت‌الله به کلام‌الله مجید و شرافت سربازی‌ام قسم بخورم که در مورد مسئله نفت از راه جبهه ملی و دکتر مصدق منحرف نشوم و از قانون ملی شدن صنعت نفت ذره‌ای تخطی نکنم و در برابر، از حضرت آیت‌الله تقاضا دارم که مرا مورد عنایت و ارشاد قرار دهند. آیت‌الله کاشانی نیز به وی گوشزد کرد که شرط ادامه راه نهضت، آزاد کردن زندانیان، تشکیل مجلس با نمایندگان واقعی مردم و آزادی مطبوعات و پیگیری سیاست‌های قبلی در مورد نفت است. زاهدی نیز قول داد که در مورد مسائل مذکور تأمل کند. دیری نپایید که دولت زاهدی مقدمات ایجاد رابطه با انگلستان را فراهم کرد. آیت‌الله کاشانی به محض آگاهی از تصمیم دولت زاهدی مبنی بر تجدید رابطه با انگلستان، پس از

سنگر مجلس و کوشش برای بی‌اعتبار ساختن روحانیت و رها ساختن حساب‌شده سرلشکر زاهدی بود - به چشم می‌دید، این تصور برایش پیش آمده بود که مصدق تمایلی به بقای حکومت خود ندارد و می‌خواهد به صورتی قهرمانانه کنار برود. از این‌رو، با وجود همه ناسزاها و تهمت‌هایی که همچنان از رادیو و روزنامه‌های وابسته به دولت نثارش می‌شد، به تعبیر خودش «صلاح دین و ملت را بالاتر از احساسات شخصی دانسته»^(۲۸) و در روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ش یعنی یک روز پیش از کودتای ننگین آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد، با ارسال نامه‌ای به دکتر مصدق، حتمی بودن وقوع کودتا توسط سرلشکر زاهدی را مطرح ساخت و با پیشنهاد مذاکره برای مبارزه مشترک، بار دیگر برای نجات نهضت ملت ایران، دست همکاری به سوی مصدق دراز کرد و برای آخرین بار با او اتمام حجت کرد. ولی این بار نیز مصدق در پاسخ به این اقدام آیت‌الله کاشانی با نوشتن جمله «اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم»، آب پاکی را بر دست ایشان ریخت. مصدق علی‌رغم درخواست و اصرار یاران صدیقش مبنی بر اعلام رادیویی آغاز کودتا و استمداد از مردم کشور، از این کار خودداری نمود. این در حالی بود که همه مدافعان نهضت ملی ایران بی‌آنکه دستور عملی از طرف رهبران خود دریافت دارند، سرگشته و حیران بودند و نمی‌دانستند چه باید بکنند. به همین دلیل، سرلشکر زاهدی بی‌آنکه با کمترین مقاومتی از سوی مردم - که مصدق مستظهر به پشتیبانی آنها بود - مواجه شود و بی‌آنکه فرماندهان واحدهای نظامی و انتظامی که مورد اعتماد دکتر مصدق بودند سدی در راه وی ایجاد کنند، به آسانی حکومت را در دست گرفت و به زودی بر همه جا مسلط شد و گروه بسیاری از مردم را به زندان افکند. به تعبیری، می‌توان گفت: مصدق که با سکوت و سکون خود، بدون هیچ‌گونه اقدامی تسلیم مأموران کودتا شد،

شکل‌گیری و تداوم این نهضت ایفا کرد. در مجموع، می‌توان گفت: اگر آیت‌الله کاشانی و بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، مصاحبه‌ها، مذاکره‌ها و مهم‌تر از همه، تهدیدهای وی - مثل تهدید انگلیس به صدور فتوای جهاد، تهدید شاه به معطوف کردن مبارزه به سوی دربار و... - نبود شاید خیلی زود دکتر مصدق و دیگر یاران ملی وی در برابر فشار بیگانگان، احزاب سیاسی مخالف، دربار و... عقب‌نشینی می‌کردند و از ملی کردن نفت دست می‌کشیدند. چنان‌که با اختلاف ایجادشده بین دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی عملاً چنین اتفاقی افتاد. اسناد انگلیسی بر این نکته صحه گذاشته و این امر را تأیید کرده است. در این اسناد آمده است: نفوذ کاشانی باعث شد که مصدق از راه مبارزه با انگلیسی‌ها منصرف نشود. (۳۱)

عمده اقدامات و تهدیدات آیت‌الله کاشانی مستظهر به تبعیت مردم از ایشان به عنوان فقیه و نایب عام امام زمان (عج) بود و دلیل ترس و واهمه دشمنان داخلی و خارجی از تهدیدات ایشان نیز باور آنها به اعتقاد مردم به لزوم تبعیت از فتوای ایشان و سایر علما به عنوان نواب عام امام‌الزمان و پذیرش و تبعیت عملی از فتوای ایشان بود. به همین دلیل است که روزنامه «نیویورک تایمز» می‌نویسد: آیت‌الله کاشانی می‌خواهد جای خلیفه مسلمان را بگیرد. (۳۲) همچنین در آرشیو وزارت خارجه انگلیس در مورد ایشان آمده است: «امروز به جرئت می‌توان گفت که آیت‌الله کاشانی [پاپ شیعیان شده است و همان قدر که فرامین پاپ برای کاتولیک‌ها مطاع است، دستورات آیت‌الله کاشانی نیز در میلیون‌ها شیعیان خاورمیانه تأثیر قطعی دارد.» (۳۳)

فتاوا و اعلامیه‌های فقها در رابطه با ملی شدن نفت

علاوه بر آیت‌الله کاشانی، سایر فقها و علمای ایران نیز در پیشبرد نهضت ملی شدن نفت نقش چشمگیری داشتند. تعداد زیادی از فقها و آیات در بیانیه‌های خود از ایشان

مشورت با برخی از رجال سیاسی فعال در نهضت ملی، در روز ۲۰ آذر ۱۳۳۲ش با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه کرد. از آن‌رو که زاهدی اجازه انتشار این مصاحبه را نداد، محتوای آن به صورت شب‌نامه به اطلاع عموم رسید. ایشان در آن مصاحبه ضمن تشریح علل و موجبات قطع رابطه با انگلستان، توضیح داد که همچنان موجبات فوق باقی است و از این‌رو، نباید تحت فشار آمریکا به تجدید رابطه تن داد. ایشان متذکر شد: روزی که دولت اعلام تجدید رابطه بدهد، روز عزای ملی است و مردم باید نوار سیاه به سینه خود نصب کنند. (۲۹) همچنین هنگام پخش خبر اقدامات مقدماتی دولت برای تشکیل مجلس هجدهم، با ارسال نامه‌ای در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۳۲ش به زاهدی، خطر تشکیل مجلس فرمایشی را گوشزد کرد و اعلام کرد: اگر چنین مجلسی تشکیل شود، مصوبات آن از نظر ملت هیچ‌گونه ارزشی نخواهد داشت. در جریان انتخابات نیز - که روشن شد انتخابات به صورت فرمایشی خواهد بود و نمایندگان به شکلی تحمیلی و انتصابی در مجلس حضور پیدا خواهند کرد - با صدور اطلاعیه‌ای، با شجاعت تمام نسبت به این اقدام دیکتاتورمآبانه و به تعبیر خودش، «رفتار قرون وسطایی» زاهدی اعتراض کرد و خطاب به شاه اعلام کرد: «اگر دست از خیانت برداشته نشود ملت رشید و غیور ایران با قیام شجاعانه خود خائنین و مسببین بدبختی خود را هرکس و در هر مقام باشد در اولین فرصت ممکنه به شدیدترین وجهی مجازات خواهند نمود.» در این اعلامیه نیز مجدداً بر بی‌اعتباری مصوبات مجلس هجدهم تأکید کرد. (۳۰)

آیت‌الله کاشانی با دعوت و تشویق مردم به حضور در صحنه‌های مختلف مبارزه در این نهضت، حمایت از دکتر مصدق در مقاطع مهم و حساس نهضت، صدور بیانیه‌ها و مصاحبه‌های داخلی و خارجی، تهدید به صدور فتوای جهاد در برابر تهدید نظامی انگلیس و... نقش مهمی را در

حمایت کردند و فتوا به وجوب همراهی، همکاری و مساعدت با آیت‌الله کاشانی دادند.

در خرداد ۱۳۲۷ش که آیت‌الله کاشانی تظاهراتی را علیه نخست‌وزیری هژیر به راه انداخت و عده‌ای از مردم متدین کشته و زخمی شدند، آیت‌الله‌العظمی بروجردی در اعلامیه‌ای ضمن حمایت از آیت‌الله کاشانی، وی را به عنوان فردی معرفی کرد که برای «صلاح جامعه و ملت و دفع ظلم و ستم، نهضت دینی نموده‌اند» و اقدام ایشان «جز در مقام مبارزه با استبداد و دیکتاتوری» نبوده است. آیت‌الله سلطانی نقل کرده است که آیت‌الله بروجردی در مورد نهضت ملی شدن نفت فرموده بود: روحانیت به هیچ وجه نباید با این حرکت مخالفت کند؛ اگر با این حرکت مردمی مخالفت کند و این حرکت ناکام بماند، در تاریخ ایران ضبط می‌شود که روحانیت سبب این کار شد. لذا به آقای بهبهانی و علمای تهران نوشتم که مخالفت نکنند. (۳۴)

آیت‌الله‌العظمی سید محمدتقی خوانساری از علما و مراجع وقت، در استفتایی که از ایشان در رابطه با ملی شدن صنعت نفت می‌شود، توجه به بحث نفت را از مصادیق روایت «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمؤمن و لا مسلم» دانسته و می‌گوید: «اگر کسی بگوید این اهتمام در امور مسلمین نیست خلاف وجدان گفته است. اگر حدیث شریف شامل این امر با این اهمیت نباشد پس شامل چه امری خواهد بود؟» سپس به این نکته اشاره می‌کند که «بعد از اینکه این [مسئله] اهتمام در امور مسلمین بود، اگر این حکم را قبول نکنند ردّ قول پیغمبر ﷺ است. دیگر چه جای عذری برای ما باقی می‌ماند، خصوصاً با اینکه مثل حضرت مستطاب آیت‌الله کاشانی - دامت برکاته - که مجتهدی عادل و با شهامت و دلسوز و فداکار برای مصالح دین و دنیای مردم با این همه جدیت ترغیب و تحریص و مردم را بیدار می‌کند دیگر مجال عذری برای کسی نمی‌ماند.» (۳۵) فتاوی‌ای مراجع

تقلیدی همچون آیت‌الله صدر، آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض صادر و باعث شد توده‌های وسیعی از مردم مذهبی کشور به حمایت از ملی شدن صنعت نفت قیام کنند. (۳۶)

آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی در فتوایی، ابتدا به این نکته اشاره می‌کند که «واگذار کردن معادن نفت جنوب به انگلیسی‌ها برای دسایس آنها در این کشور اسلامی و ضعیف ساختن، بلکه نابود کردن قوای سیاسی و اقتصادی و دینی این کشور راه وسیعی باز نموده است.» سپس با استناد به این مسئله که «قراردادهای تحمیلی سابق بین کشور ایران و کمپانی نفت علاوه بر اینکه به دست حکومت‌های جابره که شرعاً و واقعاً ولایتی بر اهالی مسلمانان و ملت مظلوم این کشور نداشته‌اند، به ضرر فاحش و بر خلاف مصلحت مسلمانان بوده لغو و بی‌اثر است»، «تهیه وسایل برای کوتاه کردن دست اجانب از سوء مداخله در کار مسلمین و اعاده عظمت و استقلال نام کشور اسلامی ایران» را از جمله تکالیف هر مسلمانی ذکر می‌کند. (۳۷)

آیت‌الله حاج سید محمود روحانی قمی نیز با اشاره به اینکه «نفت و معادن آن ملک مسلمین و مال ایرانیان است»، کوتاه کردن دست اجانب را بر اساس آیه نفی سلطه کفار امری بدیهی و لازم می‌داند و می‌نویسد:

اگر از جهت الغای بعضی شبهات به عنوان ثانوی یک چنین امر بدیهی بر کسی مشتبه شود، با توجه به اینکه مثل حضرت آیت‌الله آقای حاج سیدابوالقاسم کاشانی دام ظلّه ... در رأس این نهضت مقدس قرار گرفته‌اند و با کمال جدیت امر و قیام فرمایند (بر ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور) راهی برای شبهه باقی نمی‌ماند؛ بنابراین، بر تمام مسلمین و هم‌وطنان عزیز حتم و لازم است که نهایت سعی و کوشش را مبذول دارند تا گریبان خود را از چنگال جابرانه اجانب خلاص و سعادت را نصیب خود نمایند. (۳۸)

سایر اعضای هیأت علمیه اصفهان مثل آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی، حاج شیخ مرتضی مدرس اردکانی، و حاج سیدمصطفی سیدالعراقین نیز پاسخ‌هایی مبنی بر حمایت از نهضت نفت و حرکت آیت‌الله کاشانی ارائه کرده‌اند. (۴۲)

آیت‌الله چهارسوقی بنا به نقشی که در هدایت مذهبی سیاسی اصفهان بر عهده داشت، مرتب با سران نهضت ارتباط برقرار می‌کرد و میان آنان تلگراف‌هایی رد و بدل می‌شد. بخشی از این ارتباط با آیت‌الله کاشانی و بخشی دیگر با دکتر مصدق بود. تعداد بسیاری از نامه‌ها و تلگراف‌های رد و بدل شده به چاپ رسیده است. همچنین بسیاری از پیام‌هایی که آیت‌الله کاشانی یا دکتر مصدق برای مردم اصفهان داشتند، بنا به رسم پیشین، توسط آیت‌الله چهارسوقی ابلاغ می‌شد. (۴۳)

آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا کلباسی از علمای بزرگ مشهد نیز در پاسخ به استفتای مردم در باب ملی شدن نفت، با اشاره به این نکته که معادن نفت ایران حق اولیه ایرانیان است و طلب حق و گرفتن آن از وظایف اولیه هر مسلمانی است، می‌نویسد: امروز بر فرد فرد مسلمانان لازم است که از موقعیت استفاده و نسبت به استیفای حقوق حقه خود از شرکت نفت و ملی شدن آن مجاهدت، و مساعی جمیله حضرت آیت‌الله کاشانی را پشتیبانی نماید. (۴۴)

از جمله می‌توان به اعلامیه‌های آیت‌الله میرزا کاظم طباطبایی، آیت‌الله سیدنورالدین هاشمی شیرازی، آیت‌الله طالقانی، و... اشاره کرد. (۴۵) همچنین آیت‌الله فقیه سبزواری از علمای مشهد نیز فتوا به لزوم خلع ید از شرکت نفت انگلیس می‌دهد. (۴۶) علاوه بر فتاوی فوق، نامه‌هایی هم از جانب آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله محمدباقر کوه کمره‌ای در پشتیبانی از آیت‌الله کاشانی ارسال شد. همچنین می‌توان به سخنرانی آیت‌الله

آیت‌الله حاج شیخ باقر رسولی، عالم و پیشوای مردم گیلان، در پاسخ به استفتای عده‌ای از مؤمنان در رابطه با بحث ملی شدن نفت، ضمن اشاره به این مطلب که استرداد حقوق مغصوبه از ستمکاران ضروری و مورد اتفاق و اجماع همه ادیان و اقوام و ملل مختلف دنیاست، می‌نویسد: پیروی و همکاری با حضرت آیت‌الله کاشانی - مدظله - و جبهه ملی - ادام‌الله بقائهم - و هر سازمانی که بر علیه ستمکاران تأسیس شده، لازم و متحتم است. (۳۹)

آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، از شاگردان آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری و از اساتید مهم حوزه علمیه قم نیز با صدور اطلاعیه‌ای، کوتاه کردن دست اجانب از کشور و مسلمانان و ملی نمودن صنعت نفت در سراسر کشور را بر هر مسلمانی لازم و واجب می‌داند و در مورد حمایت از آیت‌الله کاشانی می‌نویسد: «خصوصاً که مثل حضرت آیت‌الله العظمی آقای کاشانی - دامت برکاته‌العالی - در رأس این نهضت مقدس بوده و تمام اوقات شریف خود را مصروف در رفع ظلم و جور و تأمین آسایش مسلمین می‌فرمایند... پر همه مسلمانان لازم است از وجود محترم امثال ایشان تبعیت و قدردانی نمایند...». (۴۰)

آیت‌الله سیدحسن چهارسوقی رئیس هیأت علمیه اصفهان نیز در پاسخ به استفتای پیرامون نهضت ملی شدن نفت، با اشاره به حرمت سلطه کفار بر مسلمانان و اشاره به این نکته که نفت مایه حیات و زندگانی ملت ایران و حق آنهاست، می‌نویسد: به حکم عقل قاطع و شرع مطاع، بر هر ذی‌حقی واجب و لازم و تحت است در حدود قدرت و توانایی حفظ حق مشروع خود را بنماید و از تعرض و مزاحمت غیر به تمام قوا دفاع و جلوگیری نماید... در این موضوع [ملی شدن صنعت نفت] پیروی از حکم مطاع و فرمایش متبع حضرت آیت‌الله کاشانی - دامت برکاته - لازم است. (۴۱)

کاشانی، به رغم دستگیری مصدق توسط عمال حکومت، دم برنیاوردند.

نقش تولی و تبری

یکی از جلوه‌های عنصر ولایت در فرهنگ سیاسی شیعه، بحث تولی و تبری است؛ به تعبیر دیگر، دوستی با دوستان خدا و اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنی با دشمنان آنها. در تحولات معاصر، از جمله نهضت ملی شدن نفت، بحث تولی و تبری در قالب نفی سلطه کفار و عدم الفت و دوستی با کفار جلوه پیدا کرده است. آیت‌الله کاشانی در اعلامیه‌ای که در مورد ملی کردن صنعت نفت صادر کرد، نتیجه ملی شدن صنعت نفت را علاوه بر احقاق حقوق ملت ایران و بازگرداندن ثروت ملی مردم به خودشان، رفع سلطه انگلیسی‌ها بر جان و مال و ناموس مردم ایران ذکر می‌کند. همچنین آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری، از علمای بزرگ آن زمان، در پاسخ به استفتای «عده‌ای از محترمین و بازرگانان تهران» در رابطه با ملی کردن صنعت نفت با اشاره به بحث سلطه بیگانگان بر کشور، می‌نویسد: «مسلط نمودن اجنبی بر نفت که مایه حیات این ملت است، غیر از خفت عقل و بی‌علاقگی به جامعه و عدم توجه به مقررات و وظایف دینی و ضعف ادراک و عدم رعایت مصالح و مفاسد جامعه چیز دیگری نبوده و نیست.» (۵۰)

آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی در فتوای خود پیرامون بحث ملی شدن نفت، به بحث تبری و عدم تولی نسبت به کفار در آیه ۱۱۸ سوره «آل عمران» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «یکی از مقررات دینی که برای جلوگیری از رخنه اجانب در حصار عظمت و شوکت اسلام در قرآن مجید مکرراً تأکید شده است ترک دوستی و مراوده با کفار است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ لَا يَأُولُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ

سیدجعفر غروی در ۸ دی ۱۳۲۹ش و نامه‌ای سرگشاده از طرف طلاب علوم دینی اشاره کرد که در ۱۷ دی ۱۳۲۹ش منتشر شد. (۴۷) در مجلس هفدهم شورای ملی نیز روحانیان هوادار مصدق حضور داشتند که برخی از آنها عبارت بودند از: شمس‌الدین قنات‌آبادی از شاهرود، باقر جلالی موسوی از دماوند، حاج سید جوادی از قزوین، ابراهیم میلانی از تبریز، محمدعلی انگجی از تبریز، و مرتضی شبستری از تبریز. (۴۸)

در اوایل دی‌ماه ۱۳۳۱ش نیز هنگامی که حسین مکی به علت برخی اقدامات دکتر مصدق استعفا داد، آیت‌الله صدر از قم به وی تلگراف زد و تلاش کرد او را به پس گرفتن استعفایش ترغیب کند. ایشان در تلگراف مذکور نوشت: استعفای جنابعالی موجب نگرانی است. بسیار به موقع، بلکه مقتضی است که با استرداد استعفای خود ... با عنایات الهی با اتفاق کامل مبارزات ملت مسلمان ایران را به نتیجه برسانید. (۴۹)

چنان‌که گذشت، در جریان ملی شدن نفت، ما شاهد فتاوا، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های علمای شیعه در مناطق مختلف کشور هستیم که حضور مردم در صحنه و دفاع از ایده ملی شدن نفت را تکلیف شرعی آنها می‌خواندند و مردم هم به دلیل اعتقاد به ولایت فقها از جانب معصومان علیهم‌السلام و حجیت این فتاوا و بیانات به عنوان سخن نواب امام زمان (عج)، تبعیت از آنها را بر خود واجب می‌دانستند. حوادث کودتای ۲۸ مرداد نشان داد مردمی که در حمایت از نهضت ملی شدن نفت به خیابان‌ها می‌آمدند، عمدتاً بر اساس فتاوی علمای دعاوت آیت‌الله کاشانی بود؛ چراکه همان مردمی که در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ش با اعلامیه آیت‌الله کاشانی در ضرورت حمایت از مصدق در برابر شاه به خیابان‌های تهران ریختند و فریاد «یا مرگ یا مصدق» سر دادند، یک سال بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش به دلیل عدم همراهی مصدق با آیت‌الله

مخالفتان تشکیل شود. بنابراین، عبدالحسین هژیر، وزیر دربار، به بهانه برپایی مجلس روضه در مسجدی که محل نگه‌داری صندوق‌های رأی بود، صندوق‌ها را انتقال داده و در نهایت، در آراء مردم تهران دست بردند و مانع ورود کاندیداهای جبهه ملی و طرف‌داران آیت‌الله کاشانی به مجلس شانزدهم شدند. تحسن کاندیدها به عنوان اعتراض به این عمل نتیجه‌ای نداد تا اینکه با ترور انقلابی هژیر، عامل اصلی این حرکت، توسط سیدحسین امامی از اعضای گروه فداییان اسلام به رهبری سیدمجتبی نواب صفوی، دولت مجبور به ابطال انتخابات و تجدید انتخابات تهران شد که نتیجه آن، راه یافتن کاندیداهای جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی به مجلس شانزدهم و فراهم شدن زمینه‌های مقابله با قرارداد الحاقی انگلیس و گام‌های اولیه نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. همچنین می‌توان بروز خشم و نفرت و براءت مردم مسلمان ایران از این دسته افراد را در ترور رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت در جریان تصویب ملی شدن نفت مشاهده کرد.

عنصر تولی نیز همانند تبری در نهضت ملی شدن نفت جلوه‌هایی داشته است. از جمله، نقل شده است که آیت‌الله کاشانی در دوران مبارزه برای ملی شدن نفت که گاهی دشمنان به دنبال تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف از طرق مذهبی، عقیدتی و سیاسی بودند، مناقشات و درگیری‌های داخلی را کمتر از محاربه با امام زمان (عج) ندانست. (۵۳)

۲. نمادهای مذهبی

مناسبت‌ها و مراسم مذهبی

یکی از شیوه‌های آیت‌الله کاشانی در جریان مبارزات مردم علیه دیکتاتوری موجود در اواخر دهه ۱۳۲۰ش که مقدمات نهضت ملی شدن نفت را فراهم کرد، ارتباط دادن مراسم مذهبی با امور خاص سیاسی بود که در آن برهه زمانی و در آن فضا این دو قابل جمع نبودند. وقتی در یک

وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ... این قبیل آیات در نهی مسلمانان از طرح الفت و دوستی با غیرمسلمانان بسیار است. اینک آیات و سایر دستورات اسلامی، خاصه آنها که برای تحکیم مبانی عظمت و استقلال ایران و مسلمانان بود، پشت سر انداخته شد. ایشان یکی از مظاهر و مصادیق مخالفت با مضمون آیات فوق را واگذار کردن معادن نفت به عنوان یکی از منابع مهم ثروت و سیادت در جهان، به اجانب می‌داند. آیت‌الله حاج سید محمود روحانی قمی نیز در پاسخ به استفتایی در این زمینه، به آیه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱) اشاره نموده و بحث کوتاه کردن دست اجانب از نفت مسلمانان و نفی سلطه کفار را از ضروریات دین شمرده، آن را امری غیرقابل انکار و غیرقابل تردید می‌داند. (۵۱)

آیت‌الله سیدحسین چهارسوقی از علمای بزرگ اصفهان نیز در جواب استفتای مردم در مورد ملی شدن نفت، با اشاره به آیه نفی سبیل «حرمت تسلیط اجانب و کفار بر مسلمین و اموال و نفوس و اعراض و نوامیس آنها را از بدیهیات و مسلمات» شمرده و اهتمام و جدیت در قطع ید اجانب و بیگانگان را بر دولت و ملت لازم می‌داند. (۵۲)

یکی از جلوه‌های جدی و عملی تبری از کفار و استعمارگران و حامیان آنها که عامل و زمینه‌ساز سلطه کفار بر جامعه اسلامی بودند، ترور هژیر، از زمینه‌سازان قرارداد الحاقی و عامل تقلب در انتخابات مجلس شانزدهم، بود. وقتی تلاش‌های آیت‌الله کاشانی و تحرکات مردم و گروه‌هایی مثل «مجمع مسلمانان مجاهد» و «فداییان اسلام» و مقاومت و ایستادگی نمایندگان اقلیت مجلس پانزدهم مانع تصویب لایحه الحاقی گس - گلشاییان شد، انگلیسی‌ها و حامیان داخلی شان به دنبال تحقق این مسئله در مجلس شانزدهم بودند. لذا آنها به دنبال این بودند که مجلس شانزدهم خالی از اغیار و

مصاحبه، از آیت‌الله کاشانی سؤال می‌شود: «چگونه جنابعالی حاضر شدید محیط بلندپایه عالی مذهبی را ترک گفته، در مسائل پیچیده سیاسی مانند مسئله نفت مداخله کنید؟» پاسخ می‌دهد: «برای اینکه مذهب از سیاست جدا نیست و هر فرد مسلمانی باید متوجه و مراقب احوال هم‌کیشان خود باشد و به علاوه، میهن‌پرستی یکی از عوامل نجات و سعادت است. اما در موضوع نفت، با تصاحب ثروت ملی خود و استخراج آن به دست خودمان نه تنها برای رفاه حال مردم قدم برداشته‌ایم، با رهایی از تسلط جابرانه انگلستان، استقلال و آزادی خود را تأمین می‌کنیم.» (۵۴)

بر همین اساس، ایشان در بیانیه‌ها، نامه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های خود، همواره بر ابعاد دینی نهضت تأکید می‌کند و بر دو بعد دینی و ملی بودن نهضت تصریح دارد. (۵۵) همچنین ایشان از فضای مناسبت‌های مذهبی برای پیشبرد نهضت استفاده می‌کرد. نماز عید فطر و نماز عید قربان، یک راهپیمایی عظیم سیاسی ایجاد کرد که در شرایط سخت دیکتاتوری برای دولت اشکالی بزرگ پیش می‌آورد و فرصتی برای دامن زدن به مبارزه علیه نظام حاکم بود. (۵۶) آیت‌الله کاشانی در دوران آغازین حرکت‌های بیدارگرانه خود علیه نفوذ استعمار انگلیس در ایران و همراهی حکومت استبدادی و ظالم وقت با آنها، در مراسم اربعین امام حسین علیه السلام سخنرانی می‌نماید و ضمن توضیح اهداف قیام امام حسین علیه السلام و شهادت ایشان، با مقایسه فضای امروز کشور ایران با فضای زمان امام حسین علیه السلام، می‌گوید: «حسین علیه السلام برای جلوگیری از اوضاع و احوالی نظیر آنچه ما امروز داریم تن به شهادت داد. اگر ما درس فداکاری را از حسین علیه السلام گرفته بودیم گرفتار اوضاع غیرقابل تحمل امروزی نمی‌شدیم... آن وجود مقدس خود را فدای دین و آیین و رفع ظلم از مسلمین نمود، و با این وضعیت کنونی که بر همه کس

مشهود است، اساس دین و آیین و آسایش مسلمین از کثرت ظلم و تعدی متزلزل است. برادران من! فکر دین و آسایش مردم فلک‌زده بیچاره باشید و با خودخواهی و لا‌قیدی و تنبلی و ترس، دین و دنیای خود را به باد ندهید.» (۵۷) ایشان همچنین به این نکته اشاره می‌کند که ما باید از عملکرد حسین بن علی علیه السلام و مراسم عزای ایشان، مقابله با ظلم و حاکمان ناصالح را بیاموزیم نه صرف عزاداری را. در همین زمینه، جامعه و عاظم تهران در تجمعی که در منزل آیت‌الله کاشانی داشتند، پس از مذاکرات مفصل درباره اوضاع عمومی کشور، ضمن اعلام و ابراز پشتیبانی کامل خود از منویات ایشان، اظهار نمودند که در محافل مذهبی نظریات ایشان را به اطلاع عموم مردم خواهند رساند. (۵۸)

آیت‌الله کاشانی همچنین با مقایسه وضعیت آن روز ایران با وضعیت مسلمانان در زمان قیام امام حسین علیه السلام می‌گوید: وضع مسلمانان در زمان یزید بهتر از حالا بود. کفار به مسلمین باج و خراج می‌دادند، ولی حالا بر سر ما می‌کوبند. اسلام رو به توسعه می‌رفت، ولی حالا رو به زوال است. وضع اجتماعی ما امروز به مراتب بدتر از زمان یزید شده است. (۵۹)

ایشان زمام‌داران آن روز جامعه را با زمام‌داری امیرالمؤمنین علیه السلام مقایسه می‌نماید و با اشاره به مواظبت‌های حضرت نسبت به اموال بیت‌المال، ماجرای مشهور خاموش کردن چراغ بیت‌المال هنگام کار شخصی را بیان می‌کند و می‌گوید: «حال ببینید تفاوت از کجاست تا به کجا؟ زمام‌داران ما از خزانه کشور اتومبیل‌ها، پارک‌ها، باغ‌ها و هزاران وسیله تعیش فراهم می‌کنند.» (۶۰)

جهاد و شهادت طلبی

در جریان نهضت ملی شدن نفت، در مواقع مختلف در نامه‌ها، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، شعارها و... بارها بر بحث

کارگران و کارمندان و پیشبرد برنامه‌های نهضت، می‌نویسد: «تمام اهالی این استان سربازان از جان گذشته و فداکاری هستند که گوش بر فرمان حضرت آیت‌الله دارند (از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن) به وظایف قانونی خود عمل خواهیم کرد، ولو به قیمت جان تمام شود. یا این قانون را اجرا خواهیم کرد یا در خاک این استان مدفون خواهیم گشت.» (۶۴)

همچنین هنگامی که در برخی از جراید انگلستان صحبت از اشغال خاک ایران به میان آورده بودند و می‌خواستند با این قبیل نوشتجات ملت ایران را مرعوب نموده، بلکه به سازش وادارند، مرحوم آیت‌الله کاشانی می‌گوید: در صورتی که دست به چنین جنایتی بزنند، ملت ایران که نابودشده اطماع استثمار و استعماری آن دشمنان بشر است، البته کشته شدن در راه حق و حقیقت و دیانت و ملیت خود را ترجیح به این زندگانی ننگین خواهد داد و علی‌ای حال در صورت اعمال قوه و ابراز خشونت، از اعلام جهاد خودداری نخواهد کرد. (۶۵)

در جریان مخالفت شاه با اعطای اختیار پست و وزارت جنگ به مصدق که منجر به استعفای مصدق و نخست‌وزیری قوام شد، آیت‌الله کاشانی برای مقابله با این حرکت، طی اعلامیه‌ای مردم را به خیزش علیه رژیم دعوت کرد: بر عموم برادران مسلمان من لازم است که در این جهاد اکبر کمر همت محکم بر بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعماری ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است. (۶۶)

سپس ایشان با دعوت از خبرنگاران داخلی و خارجی، مصاحبه‌ای تشکیل داد و طی آن سوگند یاد کرد که اگر قوام نرود اعلام جهاد خواهد نمود و شخصاً کفن پوشیده، مردم را همراهی خواهد کرد. (۶۷)

جهاد، شهادت‌طلبی و کشته شدن در راه خدا و فیض شهادت تأکید می‌شد و با الگوگیری از شهادت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به ویژه امام حسین (علیه‌السلام) به ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت بار تصریح می‌شد. آیت‌الله کاشانی به عنوان رهبر اصلی نهضت ملی‌شدن نفت، در مقاطع مختلف و با تعبیرات گوناگونی به این نکته اشاره می‌کرد. ایشان در مراسمی که به مناسبت اربعین حسینی در سال ۱۳۲۶ش در منزلش برگزار شد، فرمود: درس شجاعت و فداکاری را از حضرت سیدالشهدا بیاموزید. مرگ ترس ندارد. اجل یک دقیقه پس و پیش نمی‌گردد... مسلمان نباید ترس داشته باشد. شهادت داشته باشید، ایمان خود را قوی کنید، زیر بار ذلت نروید، مرگ با شرافت بهتر از زندگی ننگین است. (۶۱)

ایشان همچنین در بیانیه‌ای که پس از بازگشت به ایران از تبعید نوشت و در منزل خودش در جمع حاضران توسط دکتر مظفر بقایی قرائت شد، با اشاره به جانبازی و فداکاری خود، می‌آورد: برادرانم! مثل من، خادم فداکاری دارید [که] بدون طمع و غرض شخصی جان خود را کف دست گرفته برای دین و دنیا شما جانبازی می‌کنم. (۶۲)

در پیامی که آیت‌الله کاشانی خطاب به نمایندگان مجلس صادر می‌نماید تا دیدگاه‌های خود را پیرامون بحث نفت به اطلاع آنان برساند، ضمن تأکید بر حقوق شرعی و عرفی مردم ایران نسبت به نفت و سایر حقوق سیاسی و اجتماعی آنان، به جان برکف بودن مردم ایران در احقاق خود این‌گونه اشاره می‌کند: ملت ایران مشروطیت را با خون خود گرفته و زیر بار استبداد و دیکتاتوری نمی‌رود و البته با خون خود هم از آن دفاع خواهد کرد. (۶۳)

بر همین اساس است که حسین مکی از طرف هیأت اعزامی به آبادان برای بحث خلع ید از شرکت سابق نفت، در پاسخ به نامه آیت‌الله کاشانی مبنی بر حفظ وحدت

استناد به آیات و روایات و شعارهای مذهبی

یکی دیگر از جلوه‌های نمادهای مذهبی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، استناد به آیات و روایات در بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و شعارهای مردم در تجمعات و راهپیمایی‌هاست. در ۲۷ خرداد ۱۳۲۷ش که قرار بود هژیر کابینه خود را به مجلس معرفی کند، جمع کثیری از مردم در منزل آیت‌الله کاشانی اجتماع کردند و به طرف مجلس به حرکت درآمدند. پیشاپیش آنها قرآن بزرگی را با پرچم سبز رنگ حرکت می‌دادند، شعار جمعیت «نصر من الله و فتح قریب» و «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» بود. در ضمن راه گروه گروه به صفوف راهپیمایان می‌پیوستند و جمعیت فریاد می‌کرد «مجاهدین راه‌دین، خوش آمدید، خوش آمدید».^(۶۸)

آیت‌الله کاشانی در جلسه‌ای که با محمد حسنین هیکل مصری دارد، در رابطه با خواسته‌های خود می‌گوید: «سگ‌های انگلیسی، استقلال را از ما گرفتند همان‌طور که قرآن را از ما گرفتند! کو قرآن؟ کجاست احکام قرآن؟» سپس ایشان با اشاره به سخن گلاستون انگلیسی که گفته بود: «مادامی که قرآن در بین امت‌های اسلامی وجود دارد راه برای انگلیس بسته است و باید به خاطر اینکه خوب سواری بدهند قرآن را از آنها گرفت»، به قلمش که روی سجاده‌اش بود اشاره می‌کند و می‌گوید: «بنویس از قول من به دولت‌های اسلامی، خدمتگزار اسلام و مسلمان‌ها می‌گوید: هیچ کاری از شما پیش‌رفت نمی‌کند، مگر اینکه زندگی خود را بر پایه‌های قرآن استوار کنید».^(۶۹)

در پیامی که آیت‌الله کاشانی پس از تبعید به لبنان خطاب به ملت ایران می‌فرستد، برای بیدار کردن ملت و مقابله با استبداد حاکم، به این سخن حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام اشاره می‌کند: «ان لم یکن لکم دین و لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم».^(۷۰)

در جریان بازگشت آیت‌الله کاشانی از تبعید به لبنان،

در روزنامه «اطلاعات»، ضمن توصیف استقبال عمومی مردم از آیت‌الله کاشانی آمده است: اتومبیل‌هایی که در جلو و عقب اتومبیل حامل آیت‌الله کاشانی حرکت می‌کرد، دارای شعارهای مخصوصی مانند «خدا، استقلال، آزادی» بود.^(۷۱)

در میتینگ که در روز جمعه ۸ دی ماه ۱۳۲۹ش در میدان بهارستان به دعوت آیت‌الله کاشانی و برخی از احزاب ملی برگزار شد، افتتاح و ختم میتینگ با قرائت آیات قرآن توسط آیت‌الله غروی انجام می‌شود.^(۷۲)

آیت‌الله محمدتقی خوانساری در پاسخ به استفتایی پیرامون نهضت ملی‌شدن نفت، تقدیم نفت به بیگانگان را - در حالی که ثروت ملی میلیونی متعلق به میلیون‌ها نفر ایرانی است که اکثر آنها دچار مشکلات مالی هستند - با بخشیدن ثروت یکی از مسلمان‌ها در راه خدا، در حالی که عائله‌اش بی‌سرپرست مانده بودند، مقایسه می‌کند و می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عمل فوق که به خودی خود یک عمل حسنه بود، می‌خواست این فرد را در قبرستان مسلمان‌ها دفن نکند. حال اگر از پیغمبر صلی الله علیه و آله در مورد این ثروت عظیم ملی که تقدیم به بیگانگان می‌شود، سؤال کنیم چه جواب می‌دهند؟ آن شخص فوق‌الذکر تمام دارایی خود را صرف آزادی (بندگان) کرد و حضرت از او اظهار تنفر فرمود. نسبت ما که دارایی خود را صرف (بنده) کردن آزادگان می‌کنیم چه خواهند فرمود...؟^(۷۳)

آیت‌الله کاشانی با صدور اطلاعیه‌ای در حمایت از اقدام دولت مصدق برای عرضه اوراق قرضه و تشویق مردم به خرید این اوراق، از این اقدام به «جهاد مالی» تعبیر می‌کند و می‌نویسد: «اینجانب عنوان "جهاد مالی" را در این مورد واقعاً به‌جا و درست یافته‌ام و آن را نوعی از الهامات ارواح مقدسه شمردم.» در این اطلاعیه، ایشان به آیات متعدد قرآن استناد می‌نماید. ابتدا با اشاره به آیه

آیت‌الله سیدحسن چهارسوقی نیز در فتوای خود در مورد نهضت ملی شدن نفت، متن فتوا را با آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸) شروع می‌نماید که مشعر به تلاش و جهاد در راه خدا و اعتصام به خداوند در این تلاش و جهاد است. سپس به آیه «نفی سبیل» استناد نموده و حرمت استیلائی کفار بر مسلمانان را مطرح می‌کند. (۷۶)

چنان‌که پیش‌تر هم ذکر شد، عموماً علما و فقها در فتاوا و بیانیه‌های خود در این نهضت، به آیات و روایات متعددی استناد کرده‌اند.

۳. اماکن مذهبی

یکی از عناصر فرهنگ سیاسی شیعه که در نهضت ملی شدن نقش داشته است اماکن مذهبی به ویژه مساجد است. بسیاری از تجمعات اعتراض‌آمیز مردم در مساجد تشکیل می‌شد و مساجد مرکزی برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در جریان نهضت بود. در روزهای آغازین نهضت که گام‌های اولیه مقابله با انگلیس و ایادی داخلی آن برداشته می‌شد، در روز ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ ش به دعوت «مجمع مسلمانان مجاهد» میتینگی در مسجد امام (مسجد سلطانی یا شاه سابق) ترتیب یافت و افرادی از جمله نواب صفوی علیه‌حکومت هژیر سخنانی کردند. (۷۷)

در روز ۳۱ خرداد ۱۳۲۷ ش نیز در پی اقدامات زورگویانه و استعمارگرانه انگلیس در فلسطین، اجتماع بزرگی از مردم در مسجد امام (مسجد سلطانی یا شاه سابق) در جهت حمایت از مردم فلسطین برگزار می‌شود

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)، لزوم وحدت ملت در مقابل دشمنان را یادآوری می‌کند و آیه «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (نساء: ۹۵) را برای چنین ایامی می‌داند که جهاد با بذل مال ضرورت پیدا می‌کند. همچنین با اشاره به آیات «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید: ۱۱)؛ «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (بقره: ۲۶۱)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف: ۳۰) به مردم اطمینان می‌دهد که نه تنها از خرید اوراق قرضه زیان مالی به آنها نمی‌رسد، بلکه اندوخته‌ای نیز برای آنها به همراه دارد و موجب خیر دنیا و آخرت و پاداش الهی خواهد شد. (۷۴)

هنگامی که مصدق لایحه‌ای را به مجلس داد تا اختیارات بیشتری بر خلاف قانون اساسی از مجلس بگیرد، آیت‌الله کاشانی به عنوان رئیس مجلس شورای ملی با طرح این لایحه به دلیل مغایرت با قانون اساسی مخالفت کرد. نکته قابل توجه این است که ایشان با استناد به حکم قرآن و دستورات پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبنی بر حفظ امانات و ودایع، لزوم حفظ قانون اساسی و عمل به آن را نتیجه می‌گیرد. در نوشته ایشان آمده است:

به حکم محکم قرآن مجید که بهترین رهنمای خلق جهان است،... و دستور متقن حضرت خیرالانام که امر و مقرر است بر ودایع و سپرده‌های مردم طریق امانت ملحوظ گردد... باید به اطلاع مجلس برسانم... لایحه اختیارات تقدیمی آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر به مجلس شورای ملی مخالف و مباین اصول قانون اساسی و صلاح مملکت و دولت است. (۷۵)

بنا به گزارش روزنامه «باختر امروز»، خلیل طهماسبی ضارب رزم‌آرا نخست‌وزیر مخالف ملی‌شدن صنعت نفت، پس از آزادی از زندان پیش از رفتن به منزل شخصی، ابتدا به زیارت حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام رفته و سپس به منزل آیت‌الله کاشانی می‌رود و در آنجا نیز اذان مغرب را با صدای خود می‌گوید.^(۸۳) این‌گونه رفتارها حاکی از جلوه‌های مذهبی و نمادین نهضت ملی‌شدن نفت است که مبارزان اصلی در این نهضت از خود به نمایش گذاشتند.

نتیجه‌گیری

از آن‌رو که دو رکن اصلی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، «رهبری» و «مردم» هستند، مراجعه به اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی تاریخ معاصر ایران، از جمله نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، این دو رکن مهم یعنی رهبری و مردم بر پایه عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در این جنبش‌ها و نهضت‌ها ایفای نقش کرده‌اند. سیر تحولات نهضت ملی‌شدن صنعت نفت نشان می‌دهد که در تمام مقاطع نهضت، به ویژه مقاطع حساس و مهم، حضور یا عدم حضور مردم بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده بوده است. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که این حضور مؤثر مردم پیوند وثیقی با عناصر مذهبی و اعتقادات دینی آنها و نمادهای مذهبی داشته است. یکی از عوامل اصلی حضور مردم در نهضت، فتاوا، اطلاعاتیه‌ها و بیانیه‌های علما و فقهای شیعه در این مقطع است که مردم ایران به دلیل اعتقاد به نیابت فقها از امام زمان (عج) و حجت کلام و بیان آنها به عنوان حجت شرعی، خود را مکلف به تبعیت از آنها می‌دانستند. در این زمینه، نمادهای مذهبی شیعه مثل شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا، مقابله با سلطه کفار و تبری از دشمنان

که در آنجا آیت‌الله کاشانی به بحث وحدت اسلامی و ضرورت کمک و حمایت از فلسطینی‌ها تأکید دارد.^(۷۸) همچنین زمانی که رزم‌آرا به عنوان نخست‌وزیر وقت و رئیس دولت، مخالفت‌های جدی با ملی‌شدن نفت داشت و مانع اقدام مناسب مجلس بود، آیت‌الله کاشانی که منتظر اقدام قاطع و فوری مجلس در مقابل دولت بود، به ابتکاری جدید دست زد و با دعوت عمومی از مردم، از ملت خواست تا تکلیف نفت را معلوم کند. در گزارش‌ها آمده است: «از ساعت دو بعدازظهر طبقات مختلف مردم با نظم و ترتیبی که تاکنون کمتر سابقه داشته به مسجد سلطانی رفته و ساعت به ساعت بر کثرت جمعیت افزوده می‌شد، به طوری که در ساعت ۵ بعدازظهر چندین هزار نفر در صحن بزرگ مسجد سلطانی غرفه‌های بالا و پایین و سرسرا و حتی خیابان اجتماع نموده بودند.»^(۷۹) در این اجتماع عظیمی که در ششم بهمن برگزار شد، بعد از سخنرانی‌های تبلیغاتی علیه استعمار انگلیس و دولت‌های دست‌نشانده و تهدید رزم‌آرا، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که ملی‌کردن صنعت نفت در سراسر ایران غیرقابل تردید اعلام شد.^(۸۰) این قطعنامه مشتمل بر سه ماده زیر بود:

۱. صنایع نفت در تمام کشور بلاقید باید ملی اعلام گردد.
۲. ملت ایران عهدنامه و امتیازهای سابق را به رسمیت نمی‌شناسد.

۳. ملت ایران کسانی را که در این مبارزه فعالیت می‌کنند پشتیبانی و تجلیل و تقدیر می‌کند.^(۸۱)

همچنین آیت‌الله کاشانی در ایامی که ریاست مجلس شورای ملی را بر عهده داشت، در مسجد انبار گندم که محل عزاداری هیئت‌های محلی جنوب شهر بود، حضور پیدا کرد و در رابطه با خطراتی که در آن ایام روند نهضت را تهدید می‌کرد و زمینه‌ساز تشنج و تشویش اذهان عمومی بود، هشدارهایی داد.^(۸۲)

- ۱۶- روزنامه لوموند، به نقل از: روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۳۴-۱۳۶.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- حسین مکی، *خلع ید* (کتاب سیاه)، ص ۳۷۷ و ۳۸۸.
- ۱۹- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۴۵.
- ۲۰- همان، ص ۱۴۶-۱۵۴.
- ۲۱- شاهرخ اخوی، همان، ص ۱۵۸، به نقل از: روزنامه اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۳۰.
- ۲۲- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۲۴-۲۷.
- ۲۳- همان، ص ۲۸.
- ۲۴- روزنامه اطلاعات، ۲۲ فروردین ۱۳۳۲.
- ۲۵- ر.ک: روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۳۲-۳۴.
- ۲۶- همان، ص ۱۷۳.
- ۲۷- همان، ص ۱۷۴-۱۷۵.
- ۲۸- همان، ص ۳۴-۳۵.
- ۲۹- همان، ص ۱۸۹-۱۹۰.
- ۳۰- همان، ص ۴۲.
- ۳۱- همان، ص ۱۳۶.
- ۳۲- همان، ص ۱۸۲-۱۸۴.
- ۳۳- همان، ص ۱۳۶.
- ۳۴- نشست تخصصی روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۸.
- ۳۵- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۹۰.
- ۳۶- غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۱۷.
- ۳۷- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۹۲.
- ۳۸- همان، ص ۹۴.
- ۳۹- روزنامه شاهد، ۲۴ بهمن ۱۳۲۹.
- ۴۰- همان.
- ۴۱- نشست تخصصی روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۵.
- ۴۲- روزنامه شاهد، ۱۰ بهمن ۱۳۲۹.
- ۴۳- محمدعلی روضاتی، زندگانی آیت الله چهارسوقی، ص ۳۶-۳۵.
- ۴۴- روزنامه شاهد، ۱۶ اسفند ۱۳۲۹.
- ۴۵- ر.ک: احمد رهدار، تحول شناخت عالمان شیعه از غرب.
- ۴۶- غلامرضا جلالی، تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۱۱۸.
- ۴۷- شاهرخ اخوی، همان، ص ۱۵۳.
- ۴۸- همان، ص ۱۵۷.
- ۴۹- روزنامه اطلاعات، ۲۴ دی ۱۳۳۱.
- ۵۰- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۸۶ و ۹۰.
- ۵۱- همان، ص ۹۱-۹۳.
- دین، مناسبت‌ها و مراسم‌های مذهبی، استناد به آیات و روایت و شعارهای مذهبی و دینی نقش مؤثری در تحریک و تقویت مردم برای مقابله با امتیاز استعماری نفت و سلطه انگلیس بر منابع ایران داشتند. همچنین رهبری اصلی این نهضت به معنای عنصر اصلی بسیج و هدایت مردم در مراحل مختلف نهضت با آیت الله کاشانی بوده است. البته این به معنای نادیده گرفتن نقش عناصر ملی‌گرا مثل دکتر مصدق در جریان نهضت نیست، ولی نمی‌توان رهبری نهضت و بسیج توده‌های مردم را به هیچ وجه به آنها نسبت داد. از این رو، بیش از آنکه عناصر و افراد ملی‌گرای سکولار در این نهضت و رهبری آن نقش داشته باشند، عناصر و نمادهای مذهبی و رهبران مذهبی نقش داشته‌اند.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۳۳ و ۳۳۵.
- ۲- روحانیت و اسناد فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، ص ۸۴.
- ۳- روزنامه امید، ش ۱۰.
- ۴- روحانیت و اسناد فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، ص ۹۵-۹۶.
- ۵- همان، ص ۱۷.
- ۶- شاهرخ اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران (۱۹۴۹-۱۹۵۴)، در: جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، ص ۱۵۴.
- ۷- جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۳۵۶.
- ۸- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۹-۲۰.
- ۹- روزنامه اطلاعات، ۱ خرداد ۱۳۳۰ و ۲۵ خرداد ۱۳۳۰.
- ۱۰- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۲۱.
11. Mauritius.
12. Wren.
13. Flamingo.
- ۱۴- ر.ک: روزنامه شاهد، ۲۵ مرداد ۱۳۳۰.
- ۱۵- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۳۳.

منابع

- اخوی، شاهرخ، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران (۱۹۴۹-۱۹۵۴)، در: جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.

- جلالی، غلامرضا، تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

- روحانیت و اسناد فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، قم، دارالفکر، ۱۳۵۸.

- روضاتی، محمدعلی، زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی: حاوی شرح حال پیش از یکصد نفر رجال قرون اخیر با ۳ شجره و ۳۳ گراور، اصفهان، کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۳۲.

- رهدار، احمد، تحول شناخت عالمان شیعه از غرب، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، چ سوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۹.

- مکی، حسین، کتاب سیاه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران، انتشار، ۱۳۶۸.

- نجمی، محمدصادق، سخنان حسین بن علی (علیه السلام): از مدینه تا کربلا، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸.

- نشست تخصصی روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت: مجموعه سخنرانی ها و ضمیمه، سخنرانان روح الله حسینیان، جلال الدین مدنی و رسول جعفریان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۵.

۵۲- محمدعلی روضاتی، همان، ص ۳۱-۳۲.

۵۳- شاهرخ اخوی، همان، ص ۱۵۸.

۵۴- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۳۷.

۵۵- همان، ص ۸۱؛ روزنامه اطلاعات، ۱ خرداد ۱۳۳۰.

۵۶- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۳۶.

۵۷- همان، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۵۸- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۳۱.

۵۹- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۲۶.

۶۰- همان، ص ۳۲۴.

۶۱- همان، ص ۳۲۵.

۶۲- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۷۹.

۶۳- همان، ص ۸۳.

۶۴- همان، ص ۱۴۳.

۶۵- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۶۶- مجله خواندنی ها، ش ۹۷، مرداد ۱۳۳۱، ص ۲۴.

۶۷- روزنامه باختر امروز، ۲۴ تیر ۱۳۳۱.

۶۸- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۶۹- محمد حسنین هیکل، ایران، کوه آتشفشان، ص ۶۷-۸۴، به نقل از: روحانیت و اسناد فاش نشده... .

۷۰- ر.ک: محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی (علیه السلام) از مدینه تا کربلا.

۷۱- روزنامه اطلاعات، ۲۱ خرداد ۱۳۲۹.

۷۲- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۰۱ و ۱۰۴.

۷۳- همان، ص ۸۹-۹۰.

۷۴- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۷۵- همان، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۷۶- محمدعلی روضاتی، همان، ص ۳۱-۳۲.

۷۷- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۳۵.

۷۸- همان، ص ۳۳۸.

۷۹- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۹۹.

۸۰- جلال الدین مدنی، همان، ص ۳۶۷.

۸۱- روحانیت و اسناد فاش نشده...، ص ۱۰۰.

۸۲- همان، ص ۱۳۱.

۸۳- روزنامه باختر امروز، ش ۹۵۸، ۲۵ آبان ۱۳۳۱.